نقد راه‌حل مجلسی اول

خب، حالا چه کنیم؟! مرحوم مجلسی اول یک عباراتی دارند که می‌خواهند این عرض من را قبول نکنند. فرموده‌اند: درست است که ایشان از کلینی نقل کرده‌اند، اما می‌فرمایند: «و ليس في الكافي غير هذه الخطبة»؛ در سند مرحوم صدوق جناب کلینی است؛ در کافی هم غیر از این خطبه الوسیلة نداریم و این خطبه الوسیلة، در کافی که همانند نقل‌های شیخ صدوق نیست. خب، وقتی نیامده، می‌فرمایند: شاید مرحوم صدوق این روایت را به طریق دیگری از کلینی نقل می‌کنند؛ یعنی نسخه دیگری غیر از کافی داشته‌اند. این جمله را دارند که از نظر طلبگی خوب است. فرمودند:

«و احتمال أن وصلت تلك بهذه العبارات إلى المصنف بعيد جدا لأنّه لم نطلع إلى الآن على خبر من الكليني لا يكون في الكافي»؛ می‌فرمایند این خیلی بعید است. چون تا الآن مطلع نشده‌ایم که از کلینی خبری نقل بشود که در کافی نباشد. یعنی هر چه از جناب کلینی نقل شده است، در کافی موجود است. پس در اینجا هم که شیخ صدوق فرموده‌اند از کلینی نقل می‌کنم، معلوم می‌شود که همان حدیث کافی است، فقط ایشان آن را مختصر کرده‌اند. مرحوم مجلسی این را می‌فرمایند. خب دو-سه نکته در اینجا هست: «لم نطلع الى الآن»، یعنی در روضة المتقین و شرح فقیه پیدا نکردید؟! خب، این یک محملی برای فرمایش این محدث بزرگ می‌شود. اما اگر بخواهند، بگویند که «لم نطلع الى الآن» یعنی هر حدیثی که در سندش جناب کلینی باشد، مگر اینکه آن حدیث در کافی هم هست. این خیلی عجیب به نظر می‌آید. بنده مکرر عرض کرده‌ام: یکی از محبوب‌ترین کتاب‌هایی که متأسفانه در دست‌ها نیست، کتاب «الرسائل» شیخ کلینی است. در این مباحثه، چند بار دیگر هم گفته‌ام. به‌طور قطع، جناب کلینی کتاب «الرسائل» را داشته‌اند و روایتش در کافی نیست. این جور نیست که هر چه که از شیخ کلینی نقل شده است، در کافی باشد. ان شاء اللّه، در کتابخانه‌های ای در جایی یک نسخه خطی از رسائل مرحوم کلینی پیدا بشود و الّا این کتاب در دست مرحوم سید بن طاووس بوده است. ایشان داشته‌اند. در کتاب «كشف المَحَجّة لِثَمَرة المُهجَة»، سید در آخر این کتاب، از کتاب الرسائل کلینی بلاواسطه نقل می‌کند. الرسائل در دست ایشان بوده است. دو یا سه حدیث نقل می‌کنند. هر سه حدیث هم از اعلی الاحادیث است.

شاگرد: فرمودید: در کافی زیاده هست؟

استاد: در کافی، بر اساس جلد هشتم السلامیه، صفحه هجدهم، این خطبة الوسیلة آمده است. سند هم می‌آورند. این خطبه مفصل است. چندین صفحه است. «لا شرف اعلى من الاسلام» را هم علامت‌گذاری کرده‌ام. نسخه توحید، امالی صدوق و فقیه، با آن یک تفاوت‌هایی دارد. حالا در لا به لای عبارت عرض می‌کنم.

به ذهن طلبگی بیشتر اینطور می‌آید که مرحوم صدوق انتخاب نکرده‌اند. یعنی در این سه کتاب صدوق که حدیث را به این صورت آورده‌اند، با سند خودش از خود مرحوم کلینی به این صورت نقل شده است، درحالی‌که مرحوم کلینی در کافی به این نحو نیاورده‌اند. در مجموع چیزهایی که هست، بیشتر در ذهن این راجح می‌شود. ولی خب، مجلسی اول به این صورت فرموده‌اند: «لم نطلع الى الآن على خبر من الكليني ليس في الكافي». اگر منظورشان تنها فقیه است، «لم نطلع الى الآن» یعنی در زمانی‌که «من لایحضره الفقیه» شیخ صدوق را کار می‌کردیم به روایتی برخورد نکردیم که از جناب کلینی باشد و در کافی نباشد. البته در این محمل سؤالاتی مطرح می‌شود. اما اینکه

بخواهند، بگویند کلاً هیچ روایتی از مرحوم کلینی نیست مگر اینکه در کافی آمده است، این با کتاب الرسائل کلینی، جور در نمی‌آید.

شاگرد: ایشان شاید بگویند مرحوم صدوق کتاب در دستشان بوده است، طریقی هم که می‌گویند طریق اجازه ایشان به کتاب است. طریق تشریفات است، نه اینکه نسخه را اقراء کرده‌اند.

استاد: منظورتان نسخه کافی است؟

شاگرد: همان نسخه‌ای که حدیث را از آن می‌گویند.

استاد: از نسخه نمی‌گویند. من احتمال دادم که از نسخه‌ای غیر از کافی باشد و الّا ایشان که نسخه نمی‌گویند. در امالی، در فقیه سند می‌آورند: «محمد بن عصام کلینی عن محمد بن یعقوب کلینی». نمی‌گویند نسخه است؛ من گفتم اگر نسخه‌ای باشد، نسخه‌ای مکتوب بوده است، جدای از آنچه که شیخ کلینی در کافی آورده است.

شاگرد۲: چون جزو کتب مشهوره بوده است، مقصودتان این است که نسخه غیر مشهوری داشته است؟

استاد: خیر؛ محدثین بزرگ، از یک حدیث، چند سند و از یک حدیث، چند نسخه داشتند.

شاگرد۲: ولی نسخه مشهور همینی بوده که در کافی بوده است؟ یعنی نسخه‌ای که در دست شیخ صدوق بوده، غیر مشهور بوده است؟

استاد: کافی که در دست ایشان بوده است، در این شکی ندارم. ولی در این سه کتاب که ایشان نقل کرده‌اند، والّا کلمه «الوسیلة» در نقل ایشان نیست، نمی‌گویند «خطبة الوسیلة». ولی می‌گویند: امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از هفت روز [از درگذشت پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله]، این خطبه را فرمودند. یا در امالی می‌گویند بعد از نه روز بوده است. ولی مشکلی ندارد که هفت روز یا نه روز بوده است. ولی این را می‌گویند که خطبه همین است، اما کلمه «الوسیلة» را در آن نمی‌آورند. این خیلی تقویت می‌کند که نقل شیخ صدوق در این سه جا، به خود مرحوم کلینی برگردد. یعنی مرحوم کلینی دو نسخه داشته‌اند. یک نسخه‌ای که «الوسیلة» در آن نبوده و به همین شکل به محمد بن عصام گفته‌اند و او برای شیخ صدوق نقل کرده است، یک نسخه دیگری هم هست که با خطبه ابن معمر کافی آورده‌اند.

بازبینی #2
ایجاد شده 9 نوامبر 2024 14:37:34 توسط ... .
به روزرسانی شده 28 نوامبر 2024 10:55:14 توسط ... .